



## چالش‌های پیرامون ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

فرزانه شکوهنده<sup>\*۱</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

### چکیده

جرایم منافعی عفت عنوان عامی است که شامل جرائم متعددی می‌شود که از جمله آن‌ها رابطه نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد. قانون‌گذار در مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ زنا را تعریف می‌کند اما تعریف مشخصی از جرم رابطه نامشروع و عمل منافعی عفت غیر از زنا ارائه نداده است. عدم مشخص کردن حدود و ثغور منجر به ابهام در خصوص تعیین مصداق و آرای متناقض و متضاد در خصوص امور مشابه در ماده ۶۳۷ شده است و مراجع قضائی در برخورد با مرتکبان این پدیده، برخورد یکسانی نداشته‌اند. به نظر در صورت فقدان علقه زوجیت (اعم از دائم یا موقت) باید روابط جنسی مادون زنا به صورت تماس فیزیکی و جسمی میان زن و مرد مستوجب مجازات دانست و ارتباط‌های غیرجسمی را مصداق ماده ۶۳۷ قانون مجازات در نظر نگرفت و بین آنچه که حرام است و آنچه که جرم است تفاوت و تمایز قائل شد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱-۸۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل:

f.shokouhandeh@gmail.com

### سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۷/۱

### واژگان کلیدی:

رابطه نامشروع، عمل منافعی عفت، زنا، ماده ۶۳۷، قانون مجازات اسلامی.

openaccess



## مقدمه

تقبیل یا مضاجعه در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم‌انگاری شده است.

ماده ۶۳۷: هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا مانند تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود. مقنن تعریفی از روابط نامشروع و عمل منافی عفت ارائه نداده است و از کلمه یا بین روابط نامشروع و عمل منافی عفت استفاده کرده است بدون اینکه معیار تمیزی ارائه کند، این نبود تصریح و تعریف منجر به پراکندگی آراء و نبود رویه ثابت قضائی شده است.

باید توجه کرد ماده ۶۳۷ در بابی با عنوان جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی تدوین شده است. برخی حقوق‌دانان معتقدند هرگاه این جرائم با عنف و اکراه واقع شود، جرائم علیه اشخاص نیز محسوب می‌شود. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۴۹۹) چنانچه در قانون مجازات فرانسه نیز جرائم جنسی ذیل مبحث جرائم علیه اشخاص آمده است. (حدادزاده‌نیری، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

برخی جرائم با عنوان جرائم مانع در راستای پیشگیری از وقوع جرم اصلی، جرم‌انگاری شده‌اند. از جمله این جرائم، رابطه نامشروع (رفتار مادون زنا) می‌باشد که دارای ماهیت مانع و بازدارنده می‌باشد که به منظور جلوگیری از بزهد زنا، جرم‌انگاری شده است.

برخی محاکم معتقدند که تنها اعمالی مشمول ماده ۶۳۷ می‌شوند که همراه با تماس جسمی بین مرد و زن نامحرم (مانند مضاجعه، معانقه، تقبیل و ...) باشد و سایر روابط نامشروع که مستلزم این ارتباط فیزیکی نباشد را شامل نمی‌شود. مهم‌ترین استدلال این رویکرد این است که عبارتها و اطلاق‌های مذکور در ماده را با توجه به مصادیق ذکر شده در ماده (تقبیل و مضاجعه) باید تفسیر کرد و چون مصادیق مذکور در ماده، همگی نیازمند ارتباط جسمی هستند، از این رو اطلاق ماده در این زمینه باید تفسیر و تقیید شود. از این رو رفتارهایی که مشتمل بر چنین ارتباطی نباشند مشمول ماده نمی‌شوند. اما

وجدان و اخلاق عمومی همواره ارتکاب جرم را عملی غیراخلاقی و ناپسند می‌داند؛ به‌گونه‌ای که، این امر یکی از مبانی عمده جرم‌انگاری است. در این میان برخی جرائم که با عنوان «جرائم منافی عفت» یا «جرائم خلاف اخلاق حسنه» شناخته می‌شوند، بیش از دیگر جرائم، وجدان و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کنند. از این رو قانون‌گذار، حقوق‌دانان و جرم‌شناسان به منظور ابعاد وسیع این جرائم، برای مواجهه با آن، توجه ویژه‌ای به علل و راهکارهای حقوقی و جامعه‌شناختی دارند. (حدادزاده‌نیری، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ نیز جرم رابطه نامشروع پیش‌بینی نشده بود تا اینکه در شهریور ۱۳۱۲ و سپس در اسفند ۱۳۱۳ اصلاحاتی در آن به‌وجود آمده و در ماده ۲۱۲ اصلاحی موضوع روابط نامشروع مطرح شد: کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد ۱- هر زن شوهرداری که با مردی رابطه نامشروع داشته باشد ۲- هر مردی که با زن شوهردار رابطه نامشروع داشته باشد ... (قدسی و پورزرین، ۱۳۸۴: ۱۶۵)

قانون‌گذار در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم زنا را تعریف می‌کند: جماع بین مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نیست و از موارد وطی به شبه نیز نباشد. شهید ثانی در شرح لمعه زنا به این عبارت بیان می‌کند: «هو ای الزنا «ایلاج» ای إدخال الذکر «البالغ العاقل فی فرج امرأة» بل مطلق الانثی قبلاً أو دبراً «محرمه» علیه «من غیر عقد نکاح بینهما «و لا ملک» و لا شبهه» «موجبه لاعتقاد الحلّ «قدر الحشفه».

علی‌رغم تعریف زنا، قانون‌گذار در خصوص رابطه نامشروع و عمل منافی عفت تعریفی ارائه نداده است. تبصره ۳۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تصریح می‌دارد که منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است. ارتکاب رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا مانند

منافی عفت دون زنا (استماعتات مادون فرج) است که در واقع مقدمه مستقیم جرم زنا محسوب می‌شود. (صادق‌نژادنائینی، ۱۳۹۸: ۶۲)

قلمرو و حدود روابط جنسی غیرمجاز، ضد عفت و اخلاق عمومی برحسب مکان و زمان و در جامعه‌های مختلف متفاوت است به طوری که در آن واحد، عملی که در یک کشور براساس طرز تلقی مردم غیرمجاز و نامشروع و مشمول عنوان منافی عفت و اخلاقی عمومی است، ممکن است همان عمل و رابطه در کشور دیگری مجاز و مشروع شناخته شود. (عنصری‌فرد، ۱۳۸۳: ۱۹).

## ۲- نقش سیستم قضائی و قضات

براساس اصول دموکراسی و تفکیک قوا، قضات نباید قانون را ابداع کنند یا بسازند بلکه تنها مجازند قانونی را که پیش‌تر مصوب شده است اعمال کنند. دلیل این باور روشن است. برخلاف مقنن، قاضی فاقد مشروعیت دموکراتیک برای (قاعده‌سازی) است. او توسط مردم انتخاب نشده و از حیث هنجاری، نباید واجد این قدرت باشد که برای مردم قاعده وضع کند. بلکه محدوده مجاز او فقط اعمال قوانینی است که در مجلس قانون‌گذاری تصویب کرده است. در واقع این تعبیر حکومت قانون است که در آرای صورت‌گرایان حقوقی و به‌ویژه منتسکیو ریشه دارد. مطابق با این ایدئولوژی منبع اصلی حقوق، قانون موضوعه است و تصمیم‌های قضات باید بر آن مبتنی باشد. (میرمجیدی و غلام‌لو، ۱۳۹۷: ۴۴۸)

در مرحله قضا، ابهام ذاتی زبان (متون حقوقی) منجر به برداشت و تفسیر از قانون نسبت به آنچه که جرم می‌نامیم، می‌شود. از این رو ابهام در تعیین مصداق رابطه نامشروع و عمل منافی عفت دون زنا در ماده ۶۳۷ قانون مجازات سبب پراکندگی و نبود رویه قضائی ثابت در خصوص جرائم منافی عفت و رابطه نامشروع شد. ابهام لغوی، نباید منجر به تصمیم‌های دل‌خواهی با معیار و سلیقه شخصی و تشدد آرا بشود. برخی قضات مصداق ماده ۶۳۷ قانون مجازات را رابطه فیزیکی می‌دانند در حالی که دیگر قضات این رابطه را شامل رابطه در فضای مجازی و

در مقابل برخی دیگر از محاکم معتقدند که جرم موضوع ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات، اعم از اینکه ارتباط و تماس جسمی برقرار شده باشد یا نشده باشد. به بیان دیگر رویکرد اخیر معتقد است که برای شمول ماده بر عمل فرد نیازی به ارتباط جسمی نیست. (صادق‌نژادنائینی، ۱۳۹۸: ۵۶)

پرسش‌های مورد بررسی در این پژوهش بدین شرح هستند: اول آنکه آیا رابطه نامشروع با عمل منافی عفت غیر از زنا متفاوت است یا از نظر قانونی تفاوتی وجود ندارد و ارتباط فیزیکی شرط نیست و قانون‌گذار در مقام بیان تمایز بین ارتباط نامشروع و عمل منافی عفت نیست. دوم آنکه آیا مجازات تعیین شده در ماده ۶۳۷ قابل تعلیق می‌باشد؟

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- رابطه نامشروع

لفظ ارتباط به معنای ربط دادن، بستن چیزی را با چیز دیگر بستگی، پیوند می‌باشد. (عمید، ۱۳۷۷: ۲۴) کلمه مشروع هم بر طبق نظام حقوقی ایران که نظام اسلامی است به معنای روا و جائز و مطابق و موافق شرع است. بنابراین نامشروع یعنی آنچه که مطابق شرع نباشد و شرع آن را جائز نداند. (صادق‌نژادنائینی، ۱۳۹۸: ۶۰) ترمینولوژی حقوق رابطه نامشروع را، رابطه جنسی دو انسان در حوزه تحریم شارع مانند زنا لواط تفحید و جز این‌ها می‌داند. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۹: ۳۷۴)

### ۱-۲- عمل منافی عفت

عفت از نظر لغوی به معنی باز ایستادن از حرام، پاکدامنی و ترک شهوت است. (عمید، ۱۳۷۷: ۲۴) ترمینولوژی حقوق عمل منافی عفت را ارتکاب امور جنسی شرم‌آور در عرف یک جامعه بدون مواجهه و یا شروع در آن. اگر برای مواجهه شروع در آن باشد هتک ناموس است. در معنی عام شامل همه آن‌ها است مانند تجارات و توزیع صورت‌های خلاف عفت و اخلاق عمومی و تشویق به فساد اخلاق جنسی و شهوترانی و استفاده از فحشا. عمل منافی عفت، عمل مادی است. قصد شهوترانی هم عنصر آن نیست. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۹: ۶۸۸) عمل

ارسال پیامک و تصاویر، عاشقانه و مستهجن می‌دانند. بنابراین ابهام در مفهوم و گستردگی مصداق رابطه نامشروع وجود دارد و همین امر موجب می‌شود مرتکب نتیجه قانونی رفتار خود را نتواند پیش‌بینی کند.

قانون‌گذار در تبصره ۳۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تصریح می‌دارد که منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است و ارتکاب رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا مانند تقبیل یا مضاجعه در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم‌انگاری شده است.

در واقع قانون‌نگذار تعیین مصداق رابطه نامشروع و عمل منافی عفت را به قاضی واگذار کرده است و این ابهام وجود دارد که رابطه نامشروع با عمل منافی عفت با چه معیاری از هم تفکیک می‌شوند. آیا ملاک، وجود رابطه فیزیکی و جسمانی است؟

اغلب آراء موجود در رویه قضائی به استناد صدای ضبط شده، پیامک‌های ارسالی، عکس و ... و درج (حصول علم برای دادگاه) منجر به صدور رأی شده است. در این موارد نیز اغلب قاضی توضیح نمی‌دهد چگونه و با چه استدلالی با عنایت به موارد مزبور اقناع وجدانی به منظور محکومیت یا برائت متهم پرونده حاصل کرده است. (میرمجیدی و غلاملو، ۱۳۹۷: ۴۶۲)

در برخی موارد نیز مرتکب پس از مشاهده تصویر پیام‌ها به صورت ضمنی اقرار به وجود رابطه نامشروع کرده است.

باتوجه به اینکه شارع فقط جرائم جنسی همراه با رابطه بدنی را حدانگاری و کیفرهای شدید مانند قتل و سنگسار تعیین کرده است، یک برداشت کارکردگرایانه می‌تواند این باشد که جرم‌انگاری تعزیری رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت دون زنا به مثابه جرم مانع و فرعی به منظور پیشگیری از زنا (از نوع تراضی) است. درواقع به نظر می‌رسد با توجه به اینکه جرم زنا همراه با مقدماتی چون ملامسه، تقبیل و مضاجعه ارتکاب می‌یابد. اگر روابط جنسی همراه با تراضی در حد رابطه نامشروع با هر توجیه‌ای جرم‌انگاری شود از نظر حقوقی و مبنای قانون موجود باید تنها محدود به رفتارهایی شود که همراه با حضور

فیزیکی افراد به قصد لذت جنسی، ارتکاب می‌یابد. (میرمجیدی، غلاملو؛ ۱۳۹۷: ۴۴۷) مقنن در ماده ۶۶۷ تفاوتی در مورد ماهیت جرم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت در نظر نگرفته است و درخصوص مجازات نیز تفاوتی بین این دو مورد قائل نشده است.

### ۳- نظرات مشورتی پیرامون ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی

در سی‌وهشتمین جلسه نقد آراء دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران با موضوع تبیین قلمرو و مصداق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که در بهمن ۱۳۹۵ انجام شده، نظر بیشتر قضات به این شرح است که: موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی دارای دو قسمت است؛ نخست روابط نامشروع و دوم عمل منافی عفت به غیر از زنا و قیود تقبیل (بوسیدن) و مضاجعه (هم‌آغوشی) تمثیلی برای قسمت دوم این ماده می‌باشد و جرم رابطه نامشروع به صرف برقراری رابطه‌هایی که محتوای آن برخلاف شرع باشد، محقق می‌شود و نیازی به تماس فیزیکی نیست. (جوانمرد، ۱۳۹۵: ۳۹)

اما این نظر از دلایل مختلف جای تأمل و بررسی دارد.

مطابق این برداشت، رابطه نامشروع جدا از عمل منافی عفت مادون زنا است و نیازی به تماس فیزیکی نمی‌باشد. از این رو هر رابطه غیرقانونی و غیرشرعی و غیراخلاقی بین دو فرد نامحرم که رابطه و علقه زوجیت بین آن‌ها برقرار نمی‌باشد ولو به صورت مجازی و در حد پیامک و تماس مشمول جرم و مجازات و در شمول حکم ماده ۶۳۷ قرار می‌گیرد. اما اداره حقوقی قوه قضائیه هم در طول سالیان نظرهای متفاوتی در مورد مصداق رابطه نامشروع ارائه کرده است. تبعیت از نظریات مشورتی مثل قانون و یا آراء وحدت‌رویه برای قضات جنبه اجباری ندارد بلکه جنبه ارشادی دارد، اما با این وجود در بسیاری از موارد راه‌گشا می‌باشد.

نظریه شماره ۳۶۲۴/۷ مورخ ۱۳۸۴/۶/۶: «در تعریف جرائم منافی عفت می‌توان گفت جرائمی است که ناشی از روابط نامشروع و خارج از علقه زوجیت زن و مرد و برحسب عرف و احساسات جامعه، قبیح است یا اعمالی است که شرع مقدس ممنوع کرده و منافی عفت یا اخلاق عمومی جامعه است ... که

از مصادیق آن روابط نامشروع زن و مرد یا تظاهر به فسق در انظار عمومی است.»

نظریه مشورتی ۳۰۲۲/۷: «صرف تنها بودن زن و مردی در یکجا نمی‌تواند از مصادیق رابطه نامشروع یا اعمال منافی عفت به شمار آید.»

نظریه مشورتی ۳۴۹۲/۷ مورخ ۸/۶/۸۸: «ارتباط تلفنی از مصادیق رابطه نامشروع دانسته شده و طبق قانون مجازات قابل پیگرد است.»

نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۸۰ - ۱۳۸۱/۴/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه «رابطه نامشروع، موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم) در قانون تعریف نشده معهداً، همانطور که از عنوان آن بر می آید عملی دوجانبه یعنی توافق دو نفر زن و مرد اجنبی (نامحرم) بر نوعی از روابط جنسی ناقص غیر از زنا و امثال آن است. بنابراین صرف مکالمه تلفنی یا ارتباط اینترنتی، قدم زدن در پارک یا خیابان بدون لمس یکدیگر، مکاتبه نوشتاری یا مجازی و... رابطه نامشروع به معنی یاد شده به شمار نمی آید.»

نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۸۰ - ۱۳۸۱/۴/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه - رابطه نامشروع، موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم) در قانون تعریف نشده معهداً، همانطور که از عنوان آن بر می آید عملی دوجانبه یعنی توافق دو نفر زن و مرد اجنبی (نامحرم) بر نوعی از روابط جنسی ناقص غیر از زنا و امثال آن است. بنابراین؛ صرف مکالمه تلفنی یا ارتباط اینترنتی، قدم زدن در پارک یا خیابان بدون لمس یکدیگر، مکاتبه نوشتاری یا مجازی و ... رابطه نامشروع به معنی یاد شده به شمار نمی آید.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷۹ - ۱۳۶۹/۳/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه «مکاتبه عاشقانه جرم نیست.»

نظریه مشورتی ۹۳۷/۷ مورخ ۲۳/۵/۹۲: «صرف در خلوت بودن یا نامحرم در قانون جرم شناخته نشده اعم از این که در منزل یا داخل وسیله نقلیه یا هر جای دیگری باشد، زیرا به موجب ماده

۶۳۷ رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت مانند تقبیل و مضاجحه مثال زده شده است.»

بنابراین دیدگاه اداره حقوقی قوه قضائیه در نظرات مشورتی ۷/۹۳ و ۷/۳۰۲۲ - ۷/۹۷۹ - بر این نظر بوده است که رابطه نامشروع و عمل منافی عفت نیازمند رابطه فیزیکی مانند تقبیل و مضاجحه می‌باشد. این برداشت در چهارچوب اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم، قرار می‌گیرد.

با دو مفهوم روبه‌رو هستیم آنچه که اخلاقاً و شرعاً رابطه نامشروع نامیده می‌شود و آنچه که قانون و حقوق رابطه نامشروع می‌داند. هرگونه رابطه خارج از عقد نکاح اعم از خلوت کردن دو فرد نامحرم، ارسال پیامک‌های مستهجن و عاشقانه و تماس مکرر مصادق رابطه نامشروع اخلاقی و عرفی هست و ضمانت اجرا نیز برعهده معیارهای اخلاقی و عرفی می‌باشد. ولی رابطه نامشروع قانونی را باید به مفهوم مضیق و محدود در رابطه فیزیکی در نظر بگیریم.

با توجه به قید (غیر زنا) رابطه نامشروع و عمل منافی عفت ناظر به روابط جنسی بین زن و مرد است و نمی‌توان هر عملی را که حرام اخلاقی به حساب آید، مشمول این ماده دانست. چنین عملی ممکن است از مصادیق فعل حرام (ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات) باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۵۸۲)

#### ۴- سیاست جنایی اسلام در مورد جرائم منافی عفت

در دین مبین اسلام در مورد روابط زنان و مردان نامحرم، در هر محیطی محدودیت‌ها و قیودی قرار گذاشت شده است که طبعاً به نفع و مصلحت آدمیان و جوامع انسانی است، زیرا چنانچه در شرع اسلام معروف است احکام شرعی تابع ملاکات (مصلح و مفساد) می‌باشند. (شاهدی و موسوی، ۱۳۹۶: ۱)

شارع مقدس برای حفظ آبروی افراد جامعه حرمت خاص قائل است، آموخته‌های آموزه‌های اسلامی درخصوص جرائم جنسی تأکید بر اغماض و بزه‌پوشی دارد و از نظر جرم‌شناسی با توجه به این جرم و مجازات به مثابه برچسبی بر افراد است، نبود



ضمانت اجرای قانونی و حقوقی درخصوص رابطه نامشروع عرفی و اخلاقی، با هدف اصلاح و بازپروری سازگارتر خواهد بود.

جنبه دیگری که در توجیه بزه‌پوشی به‌ویژه به‌وسیله مجرم و ترغیب بدان موردتوجه قرار گرفته، حفظ کرامت و سرافرازی موقعیت انسانی است. زندگی آمیخته با احترام و برخورداری از عزت و شرافت از نخستین حقوق اساسی بشر است که به‌نحو گسترده‌ای در نظام اسلامی موردتوجه قرار گرفته است. (فتح‌اللهی و تندر، ۱۳۹۵: ۱۴۸)

در قوانین اسلام رویکرد افتراقی درخصوص این جرائم نه تنها در مرحله اثبات لحاظ شده است، بلکه در قوانین آئین دادرسی نیز با عنوان ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت انعکاس یافته است. انجام تحقیق‌های قضائی به‌منظور کشف جرم و حفظ ادله و آثار جرم یکی از مهم‌ترین اقدام‌های مراجع قضائی است؛ این اقدامات ناظر به متهم و یا ناظر به سایر اشخاص و اشیاء می‌باشد؛ لکن در جرائم منافی عفت انجام کلیه این اقدامات ممنوع می‌باشد. (رستم‌بیگی، ۱۳۹۱: ۱)

این رویکرد به نفع بزه‌دیده می‌باشد؛ زیرا، تلاش برای اثبات این‌گونه جرائم، موجب رفت‌وآمد مکرر بزه‌دیده به مراجع انتظامی و قضائی شده و موجب تجدید خاطرات و تألمات روحی وی می‌شود و ممکن است از رهگذر رفتار و پاسخگویی نامناسب افراد و نهادها با بزه‌دیده مانند پلیس یا مراجع قضائی، به بزه‌دیدگی ثانویه شخص نیز منجر شود و چه‌بسا این امر، ناخوشایندتر از بزه‌دیدگی نخست باشد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۱)

ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت، از سیاست بزه‌پوشی اسلام در مواجهه با این‌گونه جرائم ناشی می‌شود. این سیاست که در قوانین جزائی ما نیز تبلور یافته، تأکید شارع بر منع اشاعه فحشا مبتنی است؛ امری که قرآن کریم بر آن تأکید دارد (نور: ۱۹) و سنت پیامبر و معصومین (ع) نیز بر آن دلالت دارد. (حدادزاده‌نیری، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

باوجود این، یکی از استثنائاتی که مانع از سیاست بزه‌پوشی درخصوص جرائم منافی عفت می‌شود وجود شاکی خصوصی و بزه‌دیده در این‌گونه جرائم است. اگرچه سیاست جنایی

اسلام مبتنی بر اصل بزه‌پوشی و حرمت تجسس در جرم‌های منافی عفت است، لیکن اعمال این سیاست تا جایی معتبر است که به حق دیگران تعرض نشده باشد. هرگاه جرم دارای شاکی خصوصی باشد به دلالت عقل و شرع حرمت تحقیق و تجسس برداشته شده، بنا به وجود مصلحت اقوا که حمایت از بزه‌دیده و دفاع از حقوق وی است تحقیق و تجسس ضرورت می‌یابد و افشای جرم را اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ زیرا در اسلام همان‌طور که بر اصل بزه‌پوشی تأکید فراوان شده است، بر اصل حمایت از بزه‌دیده و جبران تألم‌های روحی و خسارت‌های مادی وی نیز تأکید فراوان شده و هرگاه اصل بزه‌پوشی با اصل حمایت از بزه‌دیده تعارض کند. بنابر قاعده‌ای که در باب تزاحم مطرح است اصطلاحاً امری که فسادش بیشتر است، به‌وسیله امری که فسادش کمتر است دفع می‌شود و به‌ناچار حرمت تحقیق برداشته شده و حکم جواز بلکه وجوب تحقق می‌یابد. (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۷۸)

استثنای دوم مربوط به موقعیتی است که جرم در مرثا و منظر عام و به‌صورت علنی ارتکاب یابد؛ مرثا و منظر عام اعم از مکانی است که معمولاً مهیای حضور عمومی است، حتی اگر در لحظه وقوع جرم کسی در آن محل حضور نداشته باشد (مانند کوچه و خیابان) یا مکانی که مهیای پذیرش عمومی نیست، ولی در برابر دیدگان چند نفر (سه نفر یا بیشتر) واقع شود، مانند ارتکاب عمل منافی عفت در منزل شخصی، اما در مقابل چند نفر. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

مرحوم آیت‌الله فاضل‌لنکرانی بعد از بحث مفصلی که در خصوص روایت وارده در این بحث می‌کند درنهایت نتیجه جالب و تا حدی بدیع محسوب می‌شود. ایشان چنین بیان می‌دارند: آیا مراد از اجتماع زن و مرد زیر یک لحاف حالت عریان و برهنگی است و یا مطلق اجتماع‌شان کافی است؟ به قرینه روایت‌هایی که اجتماع را مقید به مجرد کرده، می‌توان گفت که در فرع موردبحث نیز اجتماع زن و مرد قید مجرد است .... از این‌رو صرف اجتماع موضوعیت ندارد بلکه برهنه‌بودن

است که موجب جاری شدن جلد می‌شود. (صادقی‌نژادنائینی، ۱۳۹۸: ۶۳)

اصل قانونی بودن جرم و مجازات به این معنا است که فقط قانون تعیین‌کننده جرم و مجازات است. نبود معیار مشخص در خصوص مصداق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، پیش‌بینی‌پذیری رفتار قانون را کاهش داده است و منجر به پراکندگی آراء خواهد بود.

طبق این اصل، هنجار حقوقی که در قالب قانون یا مقررات وضع و به جامعه عرضه می‌شود، باید از محتوایی کاملاً روشن و واضح برخوردار باشد تا همه جامعه بتوانند موارد اجرای آن را پیش‌بینی کنند. همچنین رعایت اصل برابری افراد در مقابل قانون باید قابل احراز و تشخیص باشد. (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۶۶)

اگرچه در ماده قانونی از کلمه جمع «روابط نامشروع» استفاده شده است، مراد قانون‌گذار از آن، افاده نوع آن است نه این که تعدد فعل ارتكابی منظور او بوده باشد. شبیه این موضوع را می‌توان در مواد قانونی دیگر همچون نشر اکاذیب ماده (۶۹۸) آلات و ادوات جرم ماده (۶۹۹) عضویت در دسته‌ها و جمعیت‌ها ماده (۴۹۹) نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیم‌های ماده (۵۰۱) و غیره ملاحظه کرد. (قدسی، پورزرین؛ ۱۳۸۲: ۱۹۰)

رویکرد نظام‌های حقوقی آمیخته با آموزه‌های شریعت است. در نظام‌های موسوم به سکولار که منشأ حقوق، اراده، خرد و خواست جمعی است، بنیان و اساس قوانین و مقررات، ناشی از تبلور توافق جمعی است و خواست اجتماعی در وضع قوانین و مقررات، نمود واقعی دارد. یعنی آنچه که در قلمرو روابط اشخاص در یک جامعه به‌عنوان هنجار تلقی می‌شود، باید به‌نحوی از سوی اراده عمومی مورد حمایت قرار گیرد و در قالب قانون تصویب شود. از این‌رو در نظام‌های حقوقی غیرمذهبی، موضوع‌های حقوق کیفری براساس خواست و اراده عمومی میانگین شهروندان تعیین می‌شوند و حاکمیت با هرگونه اعتقادی، مداخله‌ای در افزایش یا کاهش سیاهه جرائم ندارند. بدین‌سان، یکی از ویژگی‌های این نظام‌های حقوقی آن است

که قوانین و مقررات موجود به‌منظور تأمین مطالبه‌های شهروندان، به سهولت قابل تغییر و تحول هستند. (جوانمرد، ۱۳۹۵: ۳۲)

#### ۵- تعلیق مجازات

برخی به استناد بند پ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد جرائم علیه عفت عمومی قابل تعویق و تعلیق نیست برای این عقیده‌اند که حکم مقرر در ماده ۶۳۷ قابل تعویق و تعلیق نمی‌باشد اما با بررسی رویه قضائی برای مثال در دادنامه ۹۸۰۹۹۷۶۹۱۵۲۰۰۵۶۳ صادره از شعبه ۱۲۷ کیفری دو اصفهان دادگاه محترم ۶۰ ضربه شلاق تعزیری به‌منظور محکومیت متهم به رابطه نامشروع را به یک سال تعلیق و مقرر می‌دارد در مدت تعلیق از گوشی‌هایی که امکان ارتباط با افراد در فضای مجازی شامل لاین، وایبر، واتس‌آپ، تلگرام و هر برنامه مشابهی که وجود دارد یا در مدت تعلیق ایجاد شود، ممنوع است.

بنابراین تا زمانی که مقنن به تعزیر منصوص شرعی بودن جرم موضوع ماده ۶۳۷ اشاره نکرده است، با عنایت به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و مراجعه به منابع فقهی و فتاوای فقها، می‌توان این‌گونه اظهارنظر کرد که با توجه به مباحث فقهی مطروحه، اعمال منافی عفت دون زنا غیر از مضاجعه و به طریق اولی اعمال نامشروع که لزوماً مستلزم ارتباط و تماس جسمی و فیزیکی نیست. تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شوند و باید آن‌ها را از مصادیق تعزیر حکومتی محسوب کرد و طبق عموماًت مربوط به تعزیرات (مانند جواز تخفیف یا تبدیل یا تعلیق مجازات و ...) با آن‌ها برخورد کرد. (صادقی‌نژادنائینی، ۱۳۹۸: ۷۰)

در نشست قضائی شماره ۵۷۸۳-۱۳۹۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۳۱ در استان فارس/ شهر شیراز، نظریه اکثریت قضات در رابطه نامشروع چون میزان تعزیر به صراحت و به دقت تعیین نشده و مجازات آن تا ۹۹ ضربه شلاق می‌باشد نه آنکه برای مثال همانند مجامعت با همسر در حال فوت باشد یا آنکه همانند اختیارکردن همسر کنیز پس از داشتن همسر دائمی باشد که

خصوصی دارد و به مرحله افشا از طرف خود فرد نرسیده است پرهیزند. این رویکرد بر اصول و قواعدی مانند توبه استوار است که می‌تواند پایه‌های اجرایی آن را تقویت کرد. شارع مقدس به هیأت اجتماع تأکید کرده است که از افشای این جرائم پرهیزند و هیچ‌گونه کوششی برای اثبات آن به کار نبرند. این امر از جنبه رأفت اسلامی در مقابل افراد منحرف جامعه است که با هدف بازگشت آنان به راه درست اتخاذ شده است. (توجهی، صبحی؛ ۱۳۹۳: ۲۱) در این زمینه قانون‌گذار در ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری هرگونه تحقیق در جرائم منافی را ممنوع کرده است مگر اینکه شرایط خاص وجود داشته باشد.

#### ۶- رضایت و اراده طرفین در جرم رابطه نامشروع

در جرم رابطه نامشروع، تفاوتی بین محصن و غیرمحصن، محصنه و غیرمحصنه وجود ندارد و تنها می‌تواند از علل تخفیف یا تشدید مجازات توسط دادگاه در نظر گرفته شود. شاکی خصوصی شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌شود. ضرر و زیان نیز اعم از مادی، معنوی و حیثیتی است. جنبه حق‌اللهی جرائم منافی عفت سبب شده است که غیرقابل گذشت باشند. در جرائم رابطه نامشروع، برای شروع به تعقیب و تحقیق نیازی به وجود شاکی خصوصی نیست و دادستان شخصاً می‌تواند شروع به تعقیب نماید.

پیش از انقلاب، قانون‌گذار در مواد ۲۱۲ و ۲۰۸ قانون مجازات عمومی سابق در مورد زن و مرد متأهلی که مرتکب رابطه نامشروع می‌شدند، مجازات حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال را در نظر گرفته بود، در ذیل ماده ۲۱۲ آمده بود: «در صورت ارتکاب رابطه نامشروع از سوی مرد متأهل، زوجه او و در صورت ارتکاب زن متأهل، شوهر او سمت مدعی خصوصی را دارد و تعقیب جزائی موکول به شکایت آن‌ها است.

نظریه شماره ۷/ ۷۲۷۰ مورخ ۱۳۸۲/۸/۲۸ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز صراحتاً زوج و زوجه را در صورت ارتکاب جرم زنا محصنه از سوی دیگری واجد حق شکایت و مطالبه ضرر و زیان دانسته است، اما آیا غیر از زن و شوهر، سایر بستگان نمی‌توانند به‌عنوان شاکی خصوصی طرح شکایت کنند؟ ورود

۵/۱۲ ضربه شلاق دارد؛ بنابراین رابطه نامشروع منصوص نیست. از سوی دیگر چون در ماده ۴۷ جرائم منافی عفت عمومی مستثنی شده‌اند. براساس آنچه در نظریه دوم آمده رابطه نامشروع اگر مخفیانه و بین دو طرف باشد قابل تعلیق است. اما نظریه اقلیت بیان می‌کند: رابطه نامشروع در متون فقهی با تعزیر ۹۹ ضربه شلاق مواجه است. هر چند مجازات شرعی، تا ۹۹ ضربه شلاق است، اما بدون تردید به لحاظ تعیین نوع و میزان مجازات که همان شلاق می‌باشد این مورد از موارد تعزیرات منصوص شرعی است؛ ضمن آنکه ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی به صراحت جرائم علیه عفت عمومی را مشمول تعلیق اجرای مجازات ندانسته است. رابطه نامشروع هر چند جزء تعزیرات منصوص شرعی می‌باشد؛ اما چون در بند پ از ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی عنوان عفت عمومی به کار رفته فقط به لحاظ منصوص بودن قابل تعلیق نیست نه آنکه همه روابط نامشروع مدنظر ماده ۴۷ بوده است. منظور از عمومی در ماده ۴۷ آن است که رابطه نامشروع به‌طور علنی در حضور دیگران رخ دهد نه آنکه در محلی بسته و بدون حضور دیگران باشد.

در دادنامه ۱۸/۰۸/۱۳۹۲ به شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۱۰۶۴ شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر تهران محکومیت به تحمل ۹۹ ضربه شلاق به اتهام رابطه نامشروع را حکم به تعلیق مجازات وی به مدت سه سال مشروط به حفظ سوره مبارکه «قی» قرآن کریم و ارائه آن به قاضی اجرای احکام در پایان مدت تعلیق صادر کرده است. بنابراین رویه قضائی نیز مجازات شلاق بزه رابطه نامشروع مادون زنا که از مصادیق تعزیر منصوص شرعی در نظر می‌گیرد و قابل تعلیق است.

نکته قابل توجه این است که در زمینه جرائم جنسی لزوم پرده‌پوشی (غیر از زنا به عنف) توجه لازم را داشته باشیم. سیاست جنایی، بزه‌پوشی در حدود اسلامی بر پایه فلسفه و مبانی عقلی محکم و قدرتمندی استوار است که ریشه در عقل و شرع دارد. بر پایه این سیاست، شارع مقدس به حاکمان و مردم توصیه کرده است از افشای جرائم منافی عفت در جایی که جنبه



یکدیگر در پارک، ملاک و معیار روابط نامشروع تلقی شود و مرتکبان تحت تعقیب قرار گیرند و به مجازات برسند. (قدسی، پورزرین، ۱۳۸۲: ۱۹۳)

### نتیجه‌گیری

بدون تردید جرم‌انگاری از پیچیده‌ترین و دشوارترین موارد قانون‌گذاری است؛ از این رو باید منطبق بر اهداف و مبانی حقوق جزا باشد. در نظام حقوقی کیفری ایران اراده افراد تا جایی مورد تأیید و محترم است که با ارزش‌های مورد تأیید شرع در تضاد نباشد. بنابراین رضایت طرفین در جرم رابطه نامشروع مورد تأیید نظام حقوقی کیفری ایران که مبتنی بر شریعت اسلامی است نمی‌باشد. اما پراکندگی آراء و ابهام‌های ناشی از ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از این امر ناشی می‌شود که قانون‌گذار اقدام به تعریف جرم نکرده است. در حالی که در وضع قانون و جرم‌انگاری باید معیارهای شکلی همچون صراحت و شفافیت قانون رعایت شود. از این رو به دلیل خلاء قانون‌گذاری در این حوزه و حساسیت موضوع، پراکندگی رویه قضائی، به منظور جلوگیری از تضییع حقوق و آزادی‌های افراد، قانون‌گذار، به عنوان یک اقدام ضروری با وضع یک ماده می‌تواند این جرم را تعریف، و حدود و ثغور آن را مشخص کند. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد نزدیک به صواب است که با توجه به سیاست جنائی اسلام و با در نظر گرفتن قاعده درأ، و تفسیر مضیق و به نفع متهم در شرایط شک و تردید، رابطه نامشروع محدود به وجود رابطه فیزیکی در نظر بگیریم و ضمانت اجرای روابط نامشروع بدون تماس جسمی را به اخلاق واگذار کنند و تنها در صورتی روابط نامشروع، شامل روابط فیزیکی و جسمی نباشد ولی مصداق تظاهر به عمل حرام، علناً در انتظار و اماکن عمومی باشد، مشمول ضمانت اجرای ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بدانیم و سایر روابط نامشروع از جمله رابطه افراد در محیط مجازی از مصادیق جرم رابطه نامشروع ماده ۶۳۷ نباشد.

ضرر و زیان حیثیتی در این جرائم به بستگان درجه اول مرتکب، امری بدیهی است، اما با کدام ضابطه یا معیار می‌توان معین کرد مثلاً پدر دختری که با رضایت خود مرتکب عمل منافی عفت شده، حق شکایت دارد؟ و یا آنکه در صورت عدم شکایت پدر، آیا مادر یا برادر مرتکب، حق شکایت دارند یا خیر؟ ضابطه دقیقی در این زمینه نمی‌توان ارائه داد؛ قاضی باید در هر مورد باتوجه به موضوع، مصداق شاکی خصوصی را تشخیص دهد. (حدادزاده‌نیری، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

رضایت افراد در حین ارتکاب عمل تأثیری در تحقق جرم و اجرای مجازات مرتکب ندارد چراکه جرم جنبه عمومی دارد و در ارتباط با حیثیت و شرافت انسانی است که مالک واقعی آن خداوند متعال است ... (قدسی و پورزرین، ۱۳۸۴: ۱۷۲) هر چند که این گونه جرائم اغلب با رضایت هر دو طرف می‌باشد. بنابراین طرفین مسؤلیت کیفری دارند اما اگر یکی از زن یا مرد برای رابطه نامشروع اکراه داشته باشد و به زور مجبور به این کار شود، مجازات فقط در خصوص اکراه‌کننده اعمال می‌شود.

مجازات مرتکبان جرم ارتباط نامشروع و عمل منافی عفت نیز غیر از زنا تا ۹۹ ضربه شلاق است. اختیار تعیین حداقل کیفر (یک ضربه شلاق) یا حداکثر کیفر (۹۹ ضربه شلاق) با دادگاه است و دادگاه می‌تواند با توجه به شخصیت مرتکبان و اوضاع و احوال مربوط به جرم، مجازات آنان را از یک تا ۹۹ ضربه شلاق تعیین کند.

مصداق این ماده تنها، زن یا مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد. بنابراین مرتکب این جرم، فقط می‌تواند زن یا مرد باشد و براساس متن ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، اگر دو مرد یا دو زن مرتکب این اعمال شوند، تحت شمول و مصداق این ماده قرار نمی‌گیرند.

نکته حائز اهمیت این است که به قرائن و امارات که در اطراف هریک از مرتکبین وجود دارد باید توجه خاص کرد و عرف و عادت و آداب و رسوم را در جامعه مرسوم نیز مدنظر قرار داد و سپس در خصوص مرتکبان، قضاوت کرد نه اینکه صرف یک مکالمه تلفنی و یا چت در اینترنت و نشستن در کنار

### ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

### تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

### سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

### تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.



## منابع و مأخذ

## الف. منابع فارسی

- توجهی، عبدالعلی و صبوخی رحمان (۱۳۹۳). «سیاست جنایی بزه‌پوشی در حدود». مجله دادرسی، شماره صد و هشت، صفحات پانزده الی بیست‌ویک.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد سوم، تهران: گنج دانش.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۵). «مجله حقوق کیفری». ۱: ۴۱-۴۷.
- حدادزاده‌نیری، محمدرضا (۱۳۸۸). «تحقیق در جرائم منافی عفت (تحلیل تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری)». *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۷: ۱۱۵-۱۲۶.
- خالقی، علی (۱۳۹۴). *آئین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ بیست و هفتم، تهران: شهر دانش.
- رستم‌بیگی، نفیسه (۱۳۹۱). *ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما دکتر علی خالقی، استاد مشاور دکتر محسن برهانی. دانشگاه تهران. صفحه یک.
- رایجیان‌اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). *بزه‌دیدہ‌شناسی حمایتی*. چاپ اول، تهران: دادگستر.
- شاهدی، پیمان و موسوی، سیدافشین (۱۳۹۶). *تعقیب و تحقیق در جرم رابطه نامشروع در فضای مجازی چهارمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا*. (تحت نظر دانشگاه آزاد اسلامی).
- عمید، حسن (۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صادق‌نژادنائینی، مجید (۱۳۹۸). «بررسی ابهامات و چالش‌های ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات در پرتو رویه عملی محاکم کیفری». *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال دهم.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۹). *جرائم علیه اشخاص*. چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
- عنصری‌فرد، عباس (۱۳۸۳). *جریحه‌دار کردن عفت عمومی در حقوق ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات آریان.
- قدسی، سیدابراهیم و پورزرین، علی (۱۳۸۲). «نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی». *مجله پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۹۹: ۱۸۳-۲۱۱.
- قدسی، سیدابراهیم و علی پورزرین (۱۳۸۴). «نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مطالعات اسلامی». ۶۷: ۱۵۱-۱۸۳.
- فتح‌الهی، سیامک و تندر، امیر (۱۳۹۵). «اختیارات پلیس در پاسخ به جرائم منافی عفت». *فصلنامه مطالعات حقوقی انتظامی*، ۱(۲): ۱۴۵-۱۶۶.
- قاسمی، محسن (۱۳۸۳). «علم قانون‌گذاری در سایه حقوق اساسی». *نشریه حقوق اساسی*، ۲(۳): ۱۵۵-۱۶۸.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳). *محشای قانون مجازات اسلامی*. تهران: مجد.
- میرمجیدی، سپیده و غلاملو، جمشید (۱۳۹۷). *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*. ۴۸(۲): ۴۴۷-۴۷۱.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷). *جرائم علیه اشخاص*. چاپ دوم، تهران: میزان.



## Challenges on Article 637 of the Islamic Penal Code Adopted in 1996

Farzaneh Shokouhandeh <sup>1\*</sup>

1. PhD student in Criminal Law and Criminology, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 71-82

Corresponding Author's Info

Email: f.shokouhandeh@gmail.com

Article History:

Received: 22 May 2020

Accepted: 10 Aug 2020

Published online: 22 Sep 2020

Keywords:

Liaison,

An Act Contrary to Chastity,

Zena,

Article 637,

Islamic Criminal Law.

### ABSTRACT

Crimes against chastity are a broad term that includes many crimes. Among them is the illegitimate relationship subject to Article 637 of the Penal Code, passed in 1996. The legislature defines zena (adultery) in Articles 221 and 222 of the Islamic Penal Code adopted in 2013. But it does not provide a clear definition of the crime of illicit intercourse and immorality other than adultery. Failure to specify the limits and limitations has led to ambiguity regarding the determination of contradictory and contradictory examples and opinions regarding similar matters in Article 637. And the judiciary has not been the same in dealing with the perpetrators of this phenomenon. It seems that in the absence of marriage (either permanent or temporary), sexual relations between men and women should be punishable. And did not consider non-physical communication in accordance with Article 637 of the Penal Code. And a distinction was made between what is forbidden and what is a crime.

openaccess



Cite this article as:

Shokouhandeh, F (2020). "Challenges on Article 637 of the Islamic Penal Code Adopted in 1996". *Legal Thoughts Journal*, 1(2): 71-82.